



یک شهر و دو نرخ؛

طالبان مالیه نیمی از کسبه کاران غزنی را کاهش دادند



پس از اعتراض شماری از بازرگانان و کسبه کاران در شهر غزنی نسبت به افزایش مالیه، طالبان مقدار مالیه را برای نیمی این کسبه کاران کاهش داده‌اند. در آغاز هفته گذشته، شماری از بازرگانان و کسبه کاران به کمیسیون سم شکایت این گروه در غزنی، درخواستی اعتراضی فرستادند و اصناف مختلف شهر از پرداخت مالیات به اداره مستوفیت این ولایت خودداری کردند.

زمستان سرد و فقر بی رحم؛

شهروندان با گذشت هر روز نیازمندتر می‌شوند



کوچ اجباری و تصرف خانه‌ها در پنجشیر؛

طالبان ۴۰ خانواده دیگر را کوچانده‌اند

طالبان شش تن را به ظن مخالفت با این گروه در دایکندی بازداشت کردند



۸ صبح، دایکندی: منابع معتبر محلی در دایکندی می‌گویند که از دو روز به این سو، طالبان شش تن را به ظن داشتن سلاح و مخالفت با این گروه، از روستای «طومه» ولسوالی خدیر این ولایت بازداشت کرده‌اند. منابع روز یکشنبه، ۶ قوس، به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که افراد بازداشت شده خان محمد، حسین علی، عیدمحمد، نسیم و دادمحمد نام دارند. یک منبع که نخواست نامش افشا شود، می‌گوید که افراد بازداشت شده از سوی طالبان افرادی عادی هستند و تاکنون هیچ‌گونه فعالیتی علیه این گروه نداشته‌اند. منبع محلی دیگر به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که این افراد به دستور محمدعلی صداقت، از حامیان محلی طالبان در دایکندی، بازداشت شده‌اند. منبع می‌افزاید: «آقای صداقت نام و آدرس ۵۰

تن از رقبیان خود را به طالبان داده و وانمود کرده که این افراد مخالف حکومت این گروه است. طالبان نیز شش تن از آنان را بازداشت کرده‌اند.» مسوولان محلی طالبان در دایکندی تاکنون در این باره چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که طالبان روز پنجشنبه هفته گذشته، با همدستی حامیان محلی‌شان بر دو خانه در منطقه سیوک-شیر در شهر نیلی، مرکز دایکندی، هجوم برده و دست به

افزایش دروازه‌های X-ray و خطرات صحنی؛

۱۰ خوان وزارت داخله طالبان



پرونده جنایات طالبان روی میز دادگاه جرایم بین‌المللی



منابع: طالبان در پنجشیر بر یک زن و چهار دخترش تجاوز جنسی کرده‌اند

۸ صبح، پنجشیر: منابع محلی می‌گویند که چند تن از نیروهای طالبان در ولایت پنجشیر، بر یک زن و چهار دخترش تجاوز جنسی کرده‌اند. دو منبع معتبر در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که جمعه شب، ۵ قوس، چند تن از اعضای طالبان بر یک منزل مسکونی در روستای ده خاواک ولسوالی پریان پنجشیر، هجوم برده و مرتکب این عمل شده‌اند. منابع می‌گویند که افراد طالبان نخست اعضای این خانواده را لتوکوب کرده و سپس بر زن و چهار دخترش که ۱۰ تا ۱۸ سال سن داشته‌اند، تجاوز کرده‌اند. به گفته منابع، مرد این خانواده که چوپان است، برای شکایت نزد مسوولان طالبان مراجعه کرده، اما از سوی طالبان بازداشت به شدت شکنجه شده است. با این حال، نصرالله ملک‌زاده، رئیس اطلاعات و فرهنگ طالبان در پنجشیر، این خبر را «شایعه» خوانده و گفته که از آن بی‌خبر است. چندی پیش نیز طالبان بر یک دختر جوان در ولایت پروان تجاوز جنسی کردند.



اعتراضات خیابانی برای حمایت از زنان افغانستان در لندن برگزار شد



معتراضان در لندن خواستار رهایی زنان معترض بازداشت شده از سوی طالبان شده و بر بازگشایی دروازه مکتب‌های دخترانه تأکید کرده‌اند. گفتنی است که طالبان سه هفته پیش ظریفه یعقوبی از زنان معترض در کابل را حین راه اندازی کنفرانس خبری برای گشایش «جنبش زنان افغان برای برابری» با چهار همکار مردش بازداشت کردند و پس از آن شماری از زنان معترض دیگر را نیز به بند کشیدند. تاهنوز از سرنوشت بازداشت‌شده‌گان هیچ خبری در دست نیست.

۸ صبح، کابل: شماری از چهره‌های سیاسی زن از داخل و خارج افغانستان، اعتراضاتی را در حمایت از زنان افغان در لندن برگزار کرده‌اند. این اعتراضات روز یکشنبه، ۷ قوس، در ویستمنتس لندن با حضور چهره‌های سیاسی و مدافع حقوق بشر از افغانستان و خارج از این کشور، راه‌اندازی شده است. فوزیه کوفی، از اعضای پیشین مجلس نمایندگان و اشتراک‌کننده این اعتراضات، خواستار ایستاده‌گی و حمایت از زنان معترض در افغانستان شده است. در همین حال، ملاله یوسف‌زی، فعال حقوق بشر



در دفاع از کثرت‌گرایی

کمتر جامعه و کشوری را در دنیا می‌توان سراغ داشت که یک‌دست و خالص باشد. همه جوامع انسانی به لحاظ نژادی، زبانی، مذهبی، طبقاتی، سیاسی، یا فرهنگی به درجاتی متکثر هستند. سخن در این‌جا بر سر اثبات این تکثر نیست؛ زیرا این حقیقتی تثبیت شده است، سخن از به رسمیت شناختن آن است. به رسمیت شناختن تکثر در یک جامعه به این معنا است که اهالی هر یک از فرهنگ‌ها، زبان‌ها، مذاهب‌ها، حزب‌ها و آیین‌های مختلف از جایگاه مساوی در برابر قانون برخوردار باشند، به فرصت‌های مساوی در عرصه‌های اقتصادی و برخورداری از منابع دسترسی داشته باشند، امکان‌های مشابه در عرصه‌های سیاسی در اختیار آنان قرار بگیرد و تبعیضی مثبت به سود یکی و منفی به زیان دیگری وجود نداشته باشد.

بخشی از بحران‌ها و منازعاتی که در دنیا جریان دارد به همین‌جا بر می‌گردد؛ یعنی در جایی که تکثر جوامع به رسمیت شناخته نمی‌شود و دستگاه قدرت، چه در دست یک فرد است و چه در دست یک گروه یا یک جریان، تلاش می‌کند دیگران را انکار کند و همه جامعه را به زعم خود یک‌دست بسازد. چنین تلاشی چه از روی حسن نیت و به قصد استحکام شیرازه یک کشور صورت بگیرد و چه از روی خبث نیت و به قصد سرکوب آگاهانه کسی که «دیگری» انگاشته می‌شود، در هر حالت نتایج آن وخیم و ویران‌گر خواهد بود. در این‌جا مهم نیست که یک طرف به لحاظ عدد و کمیت انسانی اکثریت پنداشته می‌شود و دیگری اقلیت. اکثریت بودن و اقلیت بودن در ذات خود نه ارزش مثبت است و نه منفی، و به هیچ صورت نمی‌تواند دلیلی بر برخورداری از امتیازاتی یا محرومیت از آن‌ها باشد.

افزون بر این، توجه به اقلیت‌ها و مصون نگه داشتن حقوق آنان یکی از معیارهای مهم سنجش کشورها از حیث پخته‌گی و بلوغ اجتماعی است. در جوامع رشدیافته این آگاهی وجود دارد که اگر اهالی یک مذهب، زبان یا تبار خاص، فرضا، اکثریت باشند آن‌ها به صورت طبیعی از امکان‌ها و فرصت‌های بیش‌تر و بهتری برخوردار هستند و جای نگرانی نیست و اگر فرضا حق‌شان تلف شود، آسان‌تر از دیگران می‌توانند اقامه دعوا کنند و حق از دست‌رفته را باز پس بگیرند. از این جهت تمرکز در این جوامع بر این است که حقوق اقلیت‌ها محفوظ باشد و چون آنان آسیب‌پذیرتر هستند باید تدابیر بیش‌تری برای حفظ حقوق و مزایای‌شان در نظر گرفته شود. از این رو هر چه جوامع رشدیافته‌تر و انسانی‌ترند به حقوق اقلیت‌ها توجه بیش‌تر توجه دارند و این مسؤلیت را کسانی که اکثریت پنداشته می‌شوند، بیش‌تر از دیگران احساس می‌کنند.

نتیجه تکامل اجتماعی البته این است که اساساً بحث اکثریت و اقلیت رنگ ببازد و هر شهروند به حیث فرد دارای ارزش و جایگاه مساوی با بقیه شهروندان باشد و فردیت او ملاک برخورداری از حقوق و امتیازات در نظر گرفته شود نه هویت گروهی یا تباری او. اگر گروه یا جماعتی در پی آن است که جامعه‌ای را به سوی امنیت و رفاه پیش براند، باید بخشی از استراتژی آن دفاع از کثرت‌گرایی و حمایت از تنوع موجود در یک جامعه باشد تا همه شهروندان با هر سلیقه، گرایش، باور و تباری احساس امنیت و مصونیت کنند. گرایش متضاد کثرت‌گرایی، انحصارگرایی است که می‌کوشد ساحه عمومی را در کنترل خود بگیرد و دیگران را از آن بیرون براند. انحصارگرایی از هر نوعی که باشد، دینی، سیاسی، فرهنگی، زبانی، یا تباری، یکی از عوامل اساسی منازعات خونین در تاریخ بشر است. باید به نهادینه کردن کثرت‌گرایی و محو انحصارگرایی کمر بست.

طالبان به کارمندان زن در مؤسسات غور: برای جواز کار باید شوهر داشته باشید



اما وقتی آنان پدر یا برادرشان را برده‌اند، طالبان گفته‌اند پدر و برادر محرم شده نمی‌توانند، زنان باید شوهر داشته باشند. به گفته منابع، مؤسسات نیز همه روزه به کارمندان‌شان هشدار می‌دهند که اگر جواز کار نگیرند برکنار خواهند شد. طبق اطلاعات منابع، شمار معدودی از زنان کارمند پس از طی کردن مشکلات بسیار و پرداخت پول به طالبان موفق شده‌اند جواز کار بگیرند. مسوولان محلی طالبان در غور تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که پس از تسلط طالبان بر افغانستان، شرایط کار برای زنان در ادارات دولتی و مؤسسات خصوصی دشوار شده است.

۸صبح، غور: منابع محلی در غور می‌گویند که مسوولان محلی طالبان در این ولایت به شماری از کارمندان مؤسسات ملی و بین‌المللی گفته‌اند که برای گرفتن جواز کار باید شوهر داشته باشند. منابع روز یک‌شنبه، ۶ قوس، به ۸صبح می‌گویند که طالبان گرفتن جواز کار را الزامی کرده‌اند؛ اما زمانی که زنان برای طی مراحل استعلام‌شان به طالبان مراجعه می‌کنند، با مشکلات روبه‌رو می‌شوند. به گفته منابع، مدیریت مبارزه با جرم‌های جنایی قوماندانی امنیه و دیگر اداره‌های طالبان در غور استعلام جواز کار زنان متأهل را در بدل ۱۵ هزار افغانی تأیید کرده‌اند. منابع می‌گویند که طالبان استعلام زنان مجرد را رد کرده و به آنان گفته‌اند که محرم‌شان را بیآورند؛

طالبان در پنجشیر پنج چوپان را بازداشت کردند

منابع اضافه می‌کنند که تا کنون تلاش مردم محل برای رهایی این افراد از بند طالبان نتیجه نداده است. هرچند طالبان این افراد را به اتهام همکاری با جبهه مقاومت ملی بازداشت کرده‌اند، اما منابع محلی می‌گویند که آن‌ها با هیچ گروهی ارتباط ندارند. طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. پیش از این نیز، طالبان چندین چوپان را در بخش‌های مختلف پنجشیر به اتهام مشابه بازداشت، شکنجه و در برخی موارد تیرباران کرده‌اند.

۸صبح، پنجشیر: منابع محلی از بازداشت و زندانی شدن پنج چوپان از سوی طالبان در ولایت پنجشیر خبر می‌دهند. منابع معتبر در صحبت با روزنامه ۸صبح، می‌گویند که طالبان این افراد را روز یک‌شنبه، ۶ قوس، از روستای شالکچه، از مربوطات ولسوالی پریان ولایت پنجشیر، بازداشت کرده‌اند. منابع تصریح می‌کنند که طالبان دو تن از این چوپان‌ها را پس از بازداشت به یک منزل مسکونی در کرپی‌تاب ولسوالی پریان انتقال داده و زندانی کرده‌اند.

بنت بر حمایت از خروج مصون‌های در معرض خطر از افغانستان تأکید کرد

لندن در حمایت از ایجاد مسیر امن برای خروج افغان‌ها، بیان کرده است. آقای بنت گفته است: «ایستادن در کنار افغان‌هایی که بیشتر در معرض خطرند و اکثر آن‌ها زنان هستند، به معنای تضمین حفاظت از آن‌ها در داخل کشور است.»



وی خواستار تسهیل روند خروج مصون‌های افغان‌ها در معرض خطر در داخل افغانستان شده است. تأکید بر خروج امن افغان‌های در معرض خطر در حالی صورت می‌گیرد که اخیراً گزارش‌هایی مبنی بر ربوده شدن الهه دلاورزی، قربانی ازدواج اجباری با یکی از مقام‌های طالبان، از سوی شاخه حقانی این گروه در پاکستان به نشر رسیده است.

۸صبح، کابل: ریچارد بنت، گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد برای افغانستان، بر حمایت از خروج امن افغان‌های در معرض خطر از این کشور تأکید کرده است. بنت این مطلب را یک‌شنبه‌شب، ۷ قوس، در توییتی با بازنشر گزارش گاردین درباره راه‌پیمایی شهروندان

یک مکتب با هزینه مردم در ولسوالی جغتوی غزنی به بهره‌برداری سپرده شد

شده است. تعمیر این مکتب در زمینی به مساحت ۳۸۰ متر مربع ساخته شده است و دارای هشت صنف درسی، بخش‌های اداری و یک سالون است. باشندگان منطقه می‌افزایند که مردم محل سه استاد را نیز در بخش مضمون‌های ساینسی و آماده‌گی کانکور استخدام کرده‌اند تا برای دانش‌آموزان صنف‌های تقویتی برگزار کنند. مردم ترگان چندی پیش یک کلینیک صحتی را نیز با هزینه مردمی بالغ بر شش میلیون افغانی تکمیل کرده و به بهره‌برداری سپرده‌اند. این کلینیک در زمینی به مساحت بیش از ۴۰۰ متر مربع ساخته شده که دارای ۱۲ اتاق، سالون و چندین تشناب است.



۸صبح، غزنی: باشندگان منطقه ترگان ولسوالی جغتوی ولایت غزنی ساختمان یک باب مکتب را با هزینه شخصی‌شان تکمیل کرده و به بهره‌برداری سپرده‌اند. به گفته شماری از باشندگان منطقه، در ساخت این مکتب بیش از پنج میلیون افغانی هزینه شده که تمامی آن توسط مردم محل و کمک مالی شماری از مهاجران افغانستان در خارج از کشور، پرداخت

طالبان: حقوق زنان تامین و «حکومت» همه‌شمول است

۸صبح، کابل: مولوی عبدالکبیر، معاون سیاسی ریاست‌الوزرای طالبان، در دیدار با رافایلا ایوبیا، کاردار اتحادیه اروپا برای افغانستان، با متهم کردن رسانه‌ها به تبلیغات نادرست، گفته است که حقوق زنان در چوکات شریعت اسلامی تامین و رژیم این گروه عملاً همه‌شمول است.

صفحه ارگ طالبان روز یک‌شنبه، ۶ قوس، با نشر توییتی به نقل از مولوی عبدالکبیر گفته است: «حقوق زنان در چوکات شریعت اسلامی تامین است و آنان در بخش‌های مختلف به وظایف مصروف‌اند.»

مولوی عبدالکبیر افزوده است: «عفو عمومی پابرجا است و همه در فضای امن به زنده‌گی ادامه می‌دهند.»

معاون سیاسی ریاست‌الوزرای طالبان با اشاره به اظهارات اخیر توماس نیکلاسون، نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان، گفته است: «از اظهاراتی که باعث خرابی روابط می‌شود، باید اجتناب صورت گیرد.»

رافایلا ایوبیا در این دیدار گفته است: «کمک‌های بشردوستانه را با مردم افغانستان ادامه می‌دهیم و این روند نباید سیاسی شود.» کاردار اتحادیه اروپا برای افغانستان همچنان افزوده است: «ما در این‌جا باقی می‌مانیم و همکاری‌های ما ادامه خواهد داشت.»

این در حالی است که در ۱۵ ماه تسلط طالبان بر افغانستان، محدودیت‌های زیادی بر زنان اعمال و برخی از رسانه‌های منتقد طالبان مسدود شده است و همه نهادهای دولتی در اختیار طالبان قرار دارند.



مسموم شدن ۲۸ جنگ‌جو در فراه؛ طالبان مردم محل را بازداشت کردند

۸صبح، فراه: منابع محلی در ولایت فراه می‌گویند که پس از مسموم شدن ۲۸ طالب در ولسوالی پرچمن این ولایت، طالبان دست به بازداشت باشندگان این ولسوالی زده‌اند. منابع روز یک‌شنبه، ۶ قوس، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که ۲۸ تن از نیروهای طالبان در قریه قیصار ولسوالی پرچمن ولایت فراه، شب گذشته مسموم غذایی شده‌اند. به گفته منابع، این نیروهای طالبان از یک پوسته و از نیروهای قول‌اردوی الفاروق طالبان مستقر در ولسوالی پرچمن فراه هستند. منابع اضافه می‌کنند که به دنبال مسموم شدن نیروهای طالبان، صبح امروز فرمانده طالبان برای ولسوالی پرچمن، چندین تن از باشندگان منطقه قیصار این ولسوالی را بازداشت کرده است. طالبان مشخص نشده است. طالبان نیز در این مورد چیزی نگفته‌اند.





۸ صبح کابل

زمستان سرد و فقر بی رحم؛

شهروندان با گذشت هر روز نیازمندتر می شوند

سیگار از کمبود در بودجه ۷۵ میلیون دالری صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد نیز خبر داده است. این بودجه قرار بود در بخش کودکان در افغانستان به مصرف برسد. افزون بر این، سازمان جهانی مهاجرت در بخش افغانستان ۳٫۶ میلیون دالر برای سال پیش‌رو در افغانستان نیاز داشت، اما اکنون با ۶۶ درصد کاهش بودجه مواجه است.

سال پیش‌رو با شکاف ۳٫۱۴ میلیارد دالری مواجه است. براساس معلومات سیگار، برنامه جهانی غذای سازمان ملل متحد در ماه میزان سال روان خورشیدی خواستار ۱۱۴ میلیارد دالر برای عملیات کمک‌رسانی در شش ماه پیش‌رو شده بود. این بودجه برای توزیع کمک به نیازمندان در افغانستان در فصل زمستان امسال و بهار سال آینده خورشیدی در نظر گرفته شده بود. علاوه بر این، برنامه جهانی غذا حدود ۱۷۲ میلیون دالر دیگر برای انتقال غذا به مناطق کوهستانی و دشوار‌گذر، نیاز دارد.

سیگار از کمبود در بودجه ۷۵ میلیون دالری صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد نیز خبر داده است. این بودجه قرار بود در بخش کودکان در افغانستان به مصرف برسد. افزون بر این، سازمان جهانی مهاجرت در بخش افغانستان ۳٫۶ میلیون دالر برای سال پیش‌رو در افغانستان نیاز داشت، اما اکنون با ۶۶ درصد کاهش بودجه مواجه است.

طبق معلومات سیگار، دفتر سازمان ملل متحد برای هماهنگی کمک‌های بشردوستانه در افغانستان نیز امسال از مجموع ۱۱۰ میلیون دالر پول درخواستی برای کمک به زلزله‌زده‌گان، تنها ۴۴ میلیون دالر به دست آورده است.

سیگار در حالی از هشدار مبنی بر کمبود بودجه

در حالی که فقر در کشور بیداد می‌کند و دامن بحران اقتصادی با گذشت هر روز گسترده‌تر می‌شود، نهادهای امدادرسان از کمبود بودجه در افغانستان خبر می‌دهند. اداره سیگار به‌تازگی گفته است که نهادهای مددسران در افغانستان برای کمک به نیازمندان پول کافی در اختیار ندارند. با توجه به این‌که زمستان دشواری در پیش‌رو است، کمبود بودجه سازمان‌های مددسران می‌تواند وضعیت اقتصاد کشور را وخیم‌تر سازد. آگاهان امور اقتصادی از پیامدهای ناگوار کاهش کمک‌ها خارجی به افغانستان خبر می‌دهند و می‌گویند که با کاهش این کمک‌ها، ممکن فاجعه‌ای اقتصادی در کشور رخ بدهد. آنان از طالبان می‌خواهند که سیاست خود را تغییر دهند و توجه نهادهای مددسران را به کشور جلب کنند.

اداره بازرسی ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان (سیگار) روز یکشنبه، ۶ قوس، به نقل از نهادهای مددسران در کشور گزارش داده که این نهادها بودجه کافی برای کمک به نیازمندان ندارند. اداره سیگار به نقل از مارتین گریفیت، معاون دبیرکل سازمان ملل متحد، آورده است که برای کمک‌های بشردوستانه در سال پیش‌رو به نیازمندان در افغانستان، به ۴٫۴ میلیارد دالر نیاز است، اما سازمان ملل متحد تنها ۱٫۲۶ میلیارد دالر در اختیار دارد. با این وصف، سازمان ملل متحد در

بخش‌های امدادی سازمان ملل متحد در افغانستان خبر داده که بخش‌های بشردوستانه این سازمان پیش از این گفته‌اند که زمستان سرد و سخت شهروندان افغانستان را تهدید می‌کند.

آگاهان مسایل، کاهش کمک‌های نهادهای مددسران به افغانستان را به زیان کشور توصیف می‌کنند و از پیامدهای ناگوار آن هشدار می‌دهند. مجیب‌الرحمان عثمانی، استاد دانشگاه و آگاه امور، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «افغانستان در چندین حکومت گذشته نیاز به حمایت‌های مالی داشته و این کمک‌های بشردوستانه کشور را از بحران بزرگ اقتصادی نجات داده و شاید هم جان صدها نفر را نجات داده باشد. ممکن روند توزیع کمک‌ها شفاف نبوده، اما به دولت افغانستان سودمند واقع شده و کشور را از بحران نقدینه‌گی نجات داده و ثبات مالی را در بازار مدیریت کرده است.»

آقای عثمانی می‌افزاید: «با رسیدن فصل سرما و کاهش کمک‌های خارجی، افغانستان به سمت یک فاجعه بزرگ روان است. فقر سبب افزایش سیلی از مهاجرت‌ها می‌شود. کاهش کمک‌های خارجی به افغانستان، سبب افزایش فقر می‌شود و فقر باعث شیوع بیماری‌های گوناگون می‌شود. پیامدهای منفی کاهش کمک‌های خارجی در سال‌های آینده قابل لمس و غیر

قابل کنترل خواهد بود.»

با این وصف، آگاهان مسایل اقتصادی از طالبان می‌خواهند که برای جلوگیری از قطع کمک‌های خارجی که منجر به افزایش دامنه فقر در کشور می‌شود، سیاست خود را تغییر دهند و توجه نهادهای مددسران را به افغانستان جلب کنند. مجیب‌الرحمان عثمانی می‌گوید: «روی جذب کمک‌های خارجی بیشتر تمرکز شود. فاجعه‌ای که در راه است، باید به نهادهای کمک‌رسان به تصویر کشیده شود تا تشویق شوند کمک‌ها را افزایش دهند.» این آگاه مسایل اقتصادی همچنان توصیه می‌کند که شهروندان برای مقابله با فقر، به اقتصادی روستایی روی بیاورند.

در کنار این‌همه، سیگار از نیاز ۲۲۹ میلیون دالر اضافی کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهنده‌گان خبر می‌دهد. این پول قرار است برای رسیده‌گی به وضعیت شهروندان در افغانستان و کشورهای همسایه به مصرف برسد.

این‌همه در حالی است که وضعیت اقتصادی کشور با گذشت هر روز وخیم‌تر می‌شود. برنامه جهانی غذای سازمان ملل متحد (WFP) چندی پیش آمار تازه‌ای از بحران غذایی در افغانستان ارائه کرده است. براساس آمار این نهاد، از هر ۱۰ شهروند افغانستان، نه تن نمی‌توانند غذای کافی برای خود تهیه کنند.

یک شهر و دو نرخ؛

طالبان مالیه نیمه از کسبه کاران غزنه را کاهش دادند

۸ صبح، غزنی



پس از اعتراض شماری از بازرگانان و کسبه کاران در شهر غزنی نسبت به افزایش مالیه، طالبان مقدار مالیه را برای نیمی این کسبه کاران کاهش داده‌اند. در آغاز هفته گذشته، شماری از بازرگانان و کسبه کاران به کمیسیون سمع شکایت این گروه در غزنی، درخواستی اعتراضی فرستادند و اصناف مختلف شهر از پرداخت مالیات به اداره مستوفیت این ولایت خودداری کردند. هرچند طالبان در روزهای نخست، شکایت کسبه کاران را نادیده گرفته و به روند گردآوری مالیات گزاف ادامه دادند و حاضر نبودند با کلانتران اصناف دیدار داشته باشند، اما سرانجام به دلیل افزایش فشارهای مردمی، مقام‌های محلی طالبان در این ولایت از موضع خود عقب‌نشینی کردند. شکایت بازرگانان و کسبه کاران اما هنوز هم پابرجا است.

منابع به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که در این درخواستی به مقام‌های محلی طالبان در غزنی هشدار داده شده که در صورت کم نشدن مقدار مالیات، آنان دست به اعتصاب کاری خواهند زد. یک منبع تأیید می‌کند که رهبری طالبان در غزنی در دیدار با کلانتران اصناف، فیصله کرده است تا مالیات نزدیک به ۵۰ درصد از مالیه‌دهنده‌گان را که تاکنون مالیات‌شان را پرداخت نکرده‌اند، با تخفیف اخذ کنند.

با این حال، شماری از بازرگانان و کسبه کارانی که در جریان یک ماه گذشته بنا بر فیصله قبلی طالبان مالیات گزاف پرداخته‌اند، این فیصله طالبان را غیراصولی توصیف می‌کنند و خواهان استرداد پول اضافی خود هستند که از سوی طالبان گردآوری شده

است. عزیزالله ۳۴ ساله که در شهر غزنی دکان فلزکاری دارد و دو هفته پیش مبلغ ۴۰ هزار افغانی مالیه تحویل بانک داده است، می‌گوید: «مالیه‌ای را که من و همین بندر ما پرداخت کردیم، به رضای ما و چیزی که اصول است، نگرفتند. به زور تفنگ و این‌که دکان‌تان را بند می‌کنیم، گرفتند. ما مجبور شدیم که این پسه را تحویل کنیم. از ما ۱۰ برابر پارسال مالیه گرفتند.»

این کسبه کار در پیوند به تصمیم تازه ادارات مالیاتی طالبان در غزنی می‌افزاید: «این گپ خوب است که از مردمان دیگر کمتر مالیه بگیرند، اما در مورد ما هم باید کسی پرسان کند. اگر طالب قبول کرده که مالیه‌ای که چند وقت پیش جمع شده زیاد گرفته شده، باید پول اضافی ما را پس تحویل کنند.»

در این میان اما مالیه‌دهنده‌گانی که در هفته نخست

گردآوری مالیه حاضر به پرداخت آن نشدند، از این تصمیم استقبال می‌کنند و می‌گویند که در سال روان وضعیت اقتصادی مردم بدتر شده و آنان توانایی پرداخت مالیه بلند را ندارند. محمدنبی، یکی از دکان‌داران در شهر غزنی است که دکان خوراکی‌فروشی دارد. او در جریان ماه گذشته مالیه دکانش را نپرداخته است و حالا از تصمیم تازه نهادهای مالیاتی طالبان استقبال می‌کند.

محمدنبی می‌گوید: «من قبلاً همین را گفتیم که شما بیاید قیمت خرید، فروش، مصرف برق و دکان را سنجش کنید و لیستی که من از بازار مال گرفته‌ام و قرض‌دار هستم، بعدش هر قدری که مفاد کردم، شما مستحق مالیه هستید؛ اما این رقم که بیایند و ببینند در دکان چه قدر مال داری و نوشته کنند که ۱۰ هزار

یا ۲۰ هزار مالیه بده، این ظلم است.»

این چالش تنها به شهر غزنی خلاصه نمی‌شود. ساکنان برخی از ولسوالی‌های این ولایت که دارای بازارهای بزرگ هستند، نیز از بلند رفتن مقدار مالیه از سوی طالبان شکایت دارند. جاغوری یکی از ولسوالی پرنفوس ولایت غزنی است که شماری از باشندگان آن مصروف فعالیت‌های تجاری و بازرگانی‌اند.

شماری از دکان‌داران و کسبه کاران در این ولسوالی در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که طالبان گردآوری مالیات در ولسوالی جاغوری را تا ۱۰ برابر نسبت به سال گذشته افزایش داده‌اند و آنان توان پرداخت مالیات گزاف را ندارند. آن‌ها از طالبان خواسته‌اند تا در این راستا تجدید نظر کنند.

غلام‌حسین در یکی از بازارهای ولسوالی جاغوری دکان کوچکی دارد که از این راه نفقه خانواده شش نفری‌اش را به‌سختی تأمین می‌کند. او با آن‌که تعرفه مالیاتش را به دست آورده، اما به دلیل بلند بودن مقدار مالیه تاکنون موفق به پرداخت آن نشده است. غلام‌حسین به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «در تمام دکان من یک لک افغانی مال نیست، اما بالای ما ۱۹ هزار افغانی مالیه نوشته کرده‌اند و هر روز هم می‌آیند که زودتر تحویل کنید. دلیل و استدلال هم شنیده نمی‌شود.» او تأکید دارد که در دو هفته گذشته این مقدار فروشات نداشته تا مالیه را پرداخت کند.

گفتنی است که جنجال‌های چگونه‌گی پرداخت مالیه وضع مالیه سنگین از سوی طالبان در غزنی، پس از آن بالا گرفت که وزارت مالیه این گروه به مستوفیت این ولایت مبلغ ۹۰۰ میلیون افغانی هدف تعیین کرد. اما به گفته باشندگان غزنی، به دلیل این‌که این ولایت دارای گمرک یا شهرک صنعتی نیست که عاید بلند داشته باشد، مستوفیت این ولایت بیشترین فشار را بر مالیه‌دهنده‌گان کوچک وارد کرده و این موضوع سبب شکایت مردم شده است.

تجدد آمرانه در عربستان سعودی به کجا خواهد رسید؟

عربستان سعودی در زمان ملک فیصل بن عبدالعزیز در رقابت منطقه‌ای با مصر قرار داشت. در آن دوران، رهبری مصر به دست ناسیونالیست‌های عرب به رهبری جمال عبدالناصر بود. ملک فیصل برای مقابله با موج ناسیونالیسم عرب، پرچم اسلام‌گرایی را به اهتزاز درآورد و در این راستا از رهبران ارشد اخوان المسلمین که از فشار جمال عبدالناصر به بیرون فرار کرده بودند، استقبال و از اندیشه‌ها و ایده‌های آنان استفاده کرد. به این ترتیب، سازمان اخوان المسلمین عرصه‌های آموزش و دین و فرهنگ را به اشغال خود درآورد و افراط‌گرایی اسلامی را در عربستان نهادینه کرد. احتمالاً ملک فیصل به نتایج این کارش در آن زمان پی نبرده بود.



روستایی

بردارد؛ برخلاف عربستان و کویت که به اسلام‌گرایان فرصت دادند تا این دو کشور را به عقب برگردانند و فرصت‌های طلایی را بسوزانند. در خصوص این‌که چه چیزی موجب شد امارات متحده عربی مسیری متفاوت از عربستان برگزیند و روی خوش به اسلام سیاسی نشان ندهد، تحلیل معمول این است که حوادثی روی داد که حکومت عربستان را به نزدیک شدن با اسلام‌گرایان سوق داد.

عربستان سعودی در زمان ملک فیصل بن عبدالعزیز در رقابت منطقه‌ای با مصر قرار داشت. در آن دوران، رهبری مصر به دست ناسیونالیست‌های عرب به رهبری جمال عبدالناصر بود. ملک فیصل برای مقابله با موج ناسیونالیسم عرب، پرچم اسلام‌گرایی را به اهتزاز درآورد و در این راستا از رهبران ارشد اخوان المسلمین که از فشار جمال عبدالناصر به بیرون فرار کرده بودند، استقبال و از اندیشه‌ها و ایده‌های آنان استفاده کرد. به این ترتیب، سازمان اخوان المسلمین عرصه‌های آموزش و دین و فرهنگ را به اشغال خود درآورد و افراط‌گرایی اسلامی را در عربستان نهادینه کرد. احتمالاً ملک فیصل به نتایج این کارش در آن زمان پی نبرده بود. با ورود افکار اسلام‌گرایان به عربستان و ایتلاف آن با جریان‌هایی از سلفی‌گری «جماعت سلفیه محتسبه» سر برآورد که بسیار افراطی و انقلابی عمل می‌کرد و همان‌طور که معروف است جهیمان العتیبی از دل این جریان بیرون شد و در سال ۱۹۷۹ برای مدتی خانه کعبه و مسجد الحرام را به تصرف خود درآورد. در همان سال، انقلاب اسلامی در ایران به وقوع پیوست. مجموعه این حوادث سبب شد که دین‌داری در عربستان سعودی شکل و شمایل دیگری پیدا کند و برای چند دهه افراط‌گرایان، عرصه‌های سیاست و اجتماع عربستان را تحت تأثیر مستقیم قرار دهند. با هجوم ارتش سرخ به افغانستان، گروه‌های افراطی در سراسر کشورهای اسلامی به جنگ‌افزار دست یافتند و وضع بدتر از قبل شد. کشورهای غربی هم این گروه‌ها را تقویت کردند تا دشمن مشترک را ضربه بزنند و بدین ترتیب زمینه

عربستان سعودی چند سالی است که پوست انداخته و چهره عوض کرده است. با ولی‌عهد شدن بن‌سلمان، حوادث در این کشور به‌گونه‌ای پیش می‌رود که خبر از دگرگونی ژرف در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌دهد. کشوری که روزگاری در محافظه‌کاری و پای‌بندی به سنت‌ها، انگشت‌نمای خواص و عوام بود، اینک تصمیم دارد راه دیگری در پیش گیرد. قوانین سخت‌گیرانه اجتماعی لغو شده، اداره امر به معروف و نهی از منکر در این کشور از کار افتاده و جوانان آزادی‌های بیشتری در انتخاب سبک زندگی پیدا کرده‌اند. کنسرت‌های آوازخوانان غربی و شرقی، اعم از زن و مرد، در عربستان سعودی برگزار می‌شود. مهم‌ترین متون فلسفی از سوی اداره فرهنگ آن کشور به چاپ می‌رسد و در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. متن‌های مهم فلسفی و ادبی روز جهان در حلقه‌های فرهنگی آن کشور به نقد و کنکاش و ارزیابی گرفته می‌شود. بعضی از شاخص‌ترین فیلسوفان جهان به ریاض یا جده دعوت می‌شوند تا آخرین ایده‌ها و نظریات فلسفی‌شان را به مخاطبان عرضه کنند. تردیدی نیست که اگر شخصی هفت سال پیش به ریاض یا جده رفته باشد و حالا بخواهد دوباره به آن‌جاها برود، از دگرگونی‌های قابل لمس به وجودآمده متعجب و غافل‌گیر خواهد شد. رهبری عربستان تصمیم گرفته با میراث بازمانده از «صحوه» خداحافظی کند و صفحه دیگری را در این کشور پول‌دار و نفت‌خیز بگشاید.

بعضی از تاریخ‌نگاران، مخصوصاً آن‌هایی که گرایش اسلام‌گرایانه دارند، دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی در عربستان را دوران «صحوه (بیداری)» می‌نامند و از آن دوران به نیکویی یاد می‌کنند؛ دورانی که اخوانی‌ها به نحوی بر افکار عمومی در آن کشور مسلط بودند. اشخاصی که طرف‌دار شیوه حکومت‌داری بن‌سلمان هستند، این دیدگاه را ترویج می‌دهند که رهبری سیاسی در امارات متحده عربی توانست گروه‌های اسلام‌گرا را در آن کشور مهار کند و همین مسأله سبب شد که گام‌های بلند در زمینه توسعه و نوسازی

برای رشد و گسترش بی‌رویه جماعت‌های افراطی، بیش از هر زمان دیگری مساعد شد.

برخی ناظران بر این نکته پای می‌فشارند که برخلاف تصور غالب، دین‌داری در عربستان سعودی تا پیش از این وقایعی که ذکرشان رفت، با زشتی و نفرت از زنده‌گی نیامیخته بود و زن‌ستیز و دشمن زنده‌گی نبود. ملک فیصل خودش طرف‌دار توسعه آمرانه بود و در سال ۱۹۶۴ زمانی که تصمیم گرفت مکتب‌های دخترانه را باز کند با قاطعیت عمل کرد و به کسی اجازه مخالفت نداد. همو بود که تلویزیون را به عربستان آورد و مخالفت بعضی از گروه‌های محافظه‌کار در این زمینه راه به جایی نبرد. این ناظران می‌گویند، درست است که عربستان به علت وجود اماکن مقدس در آن، ویژه‌گی خاص خود را دارد، ولی به گواهی اسناد و شواهد، اگر آن وقایع پیش‌گفته روی نمی‌داد، عربستان در دامان افکار افراطی نمی‌افتاد و اسلامیت‌ها فرصت نمی‌یافتند در آن رخنه کنند و آن را به مسیر دیگری جهت دهند. با آن‌که سلفی‌ها همیشه در تاریخ معاصر عربستان، حضور قوی داشته‌اند، اما معمولاً با حکام در نمی‌افتادند و جلو برنامه‌های دولت نمی‌توانستند سدی ایجاد کنند. ورود افکار اسلامیتی سبب شد که بخشی از سلفی‌ها با حکومت عربستان از در ناسازگاری و دشمنی درآیند.

ظاهراً رهبری جدید عربستان سعودی تصمیم گرفته «صحوه» را به باد فراموشی سپارد و آثار آن را به کلی و به سرعت از بین ببرد و کشور را به همان سرشت سابقش برگرداند و سنت‌های مردسالارانه را از صحنه جامعه بزاید و رواداری و تنوع فرهنگی و اجتماعی را نهادینه کند. بن‌سلمان در مصاحبه‌هایش بارها تصریح کرده که دین عربستانی‌ها دین معتدل است و با تندروی میانه‌ای ندارد. بی‌تردید، سیاست‌های تازه فرهنگی و اجتماعی دولت عربستان با چالش‌هایی روبه‌رو است. چندی قبل، پاتریک پویان، رییس اجرایی شرکت توتال، گفت که قبول دارد که جوانان عربستانی که حدوداً ۷۰ درصد ساکنان آن کشور

را تشکیل می‌دهند، روی‌هم‌رفته با سیاست‌های بن‌سلمان موافق‌اند و آن را به خیر و صلاح مملکت خویش می‌دانند، ولی نسل‌های قدیمی‌تر نسبت به این اصلاحات و دگرگونی‌ها با شک و تردید برخورد می‌کنند. آیا بن‌سلمان موفق خواهد شد بدون مواجه شدن با مانع و چالش جدی، اصلاحات مورد نظرش را به سرمنزل مقصود برساند و آیا اوضاع منطقه‌ای و جهانی وی را در این زمینه یاری خواهد رساند؟

این نکته را نباید از یاد برد که توسعه آمرانه و ایجاد دگرگونی و اصلاح در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی عربستان بدون پیامدهای خواسته و ناخواسته نخواهد بود و پیامدهای دیرپایی در پی خواهد داشت. یکی از چالش‌هایی که احتمالاً رهبری سیاسی عربستان سعودی در آینده با آن روبه‌رو خواهد شد، پاسخ‌گویی به مطالبات جوانان در زمینه ایجاد اصلاح در شاکله سیاسی این کشور است. شما وقتی جوانان را با فلسفه و اندیشه‌گری و تفکر نقاد آشنا بسازید، توقع نداشته باشید که آن‌ها به همان اصلاحات مورد پسند رهبران سیاسی فعلی بسنده کنند و از اصلاحات ژرف سیاسی دم نزنند. بن‌سلمان اگر قصد دارد کشورش در مسیر درست قرار گیرد و توسعه آمرانه‌اش با موانع جدی مواجه نشود و به شورش و ناآرامی و نارضایتی منتهی نگردد، شایسته است که اصلاحات تمام‌عیار و همه‌جانبه را در این کشور اعمال کند؛ نهادهای مشروع و مردمی را تقویت کند، سیستم انتخابات کارآمد و موثر را روی کار بیاورد، با فساد و خویش‌خوری و حامی‌پروری مبارزه جدی کند و زنان و جوانان را در نهادهای رهبری و تصمیم‌گیری جای‌گزین قدیمی‌ترها کند. اگر چنین اقداماتی صورت نگیرد، اصلاحات در کشور شاهی عربستان سعودی نیم‌بند باقی خواهد ماند و آسیب‌پذیر و شکننده خواهد بود. آیا رهبری سیاسی عربستان سعودی از باب رعایت مصالح جمعی و منافع ملی، از امتیازات و بهره‌مندی‌های شخصی و خاندانی خواهد گذشت و اصلاح همه‌جانبه و جامع را روی دست خواهد گرفت؟

افزایش دروازه‌های X-ray و خطرات صحت؛ ۱۰ خوان وزارت داخله طالبان

رهروان



را انجام می‌دهد و در حکومت مردمی این وزارت، خانه دوم مردم است که باید سهل‌ترین شرایط داخل شدن، استقبال و خارج شدن را خصوصاً برای مراجعان فراهم سازد. برعکس وقتی می‌خواهی به وزارت داخله طالبان داخل شوی، باید از سدهای زیادی بگذری.

اولین سد: این سد در سرک عمومی است. یک طالب که رویش پوشیده است و عینک‌های سیاه تاریک دارد، می‌پرسد کجا می‌روی. دلیل رفتن باید در روی اسناد نشان داده شود. در عین حال امر می‌کند که ماسک صورتت را به خاطر دوربین‌های امنیتی بردار. دومین سد: سد دوم بیرون از دروازه ورودی است. در این سد، یک طالب نشسته است که مراجعان را تلاشی بدنی می‌کند و وسایل همراه آن‌ها را با دقت از نظر می‌گذراند.

سومین سد: در سد سوم یک طالب به دست شما یک «امضای طالبی» می‌کند و اجازه عبور می‌دهد. چهارمین سد: در سد چهارم، شما را تلاشی بدنی به مراتب جدی‌تر از میدان‌های هوایی پرخطر دنیا می‌کند.

پنجمین سد: در سد پنجم دروازه امنیتی X-ray وجود دارد که باید از آن بگذری و باز هم تلاشی بدنی شوی.

ششمین سد: باید امضای دست خود را به مسوول سد ششم نشان بدهی. او پس از ملاحظه امضا، به شما اجازه عبور از این سد را می‌دهد.

هفتمین سد: یک کوچه به طول یک کیلومتر وجود دارد که صرف ظرفیت عبور یک تن را دارد. در هر قسمت این مسیر، دوربین‌های امنیتی نصب شده است که باید از مقابل آن‌ها بگذری.

هشتمین سد: این سد در ختم راهرو یک کیلومتری قرار دارد و شامل یک دروازه X-ray دیگر و همزمان تلاشی بدنی دست می‌شود.

نهمین سد: وقتی داخل محوطه وزارت داخله شوی و بخواهی به یکی از ریاست‌ها بروی، در دروازه ورودی آن ریاست دوباره تلاشی بدنی می‌شود.

دهمین سد: اگر شخصی به دیدن ماموران بلندرتبه وزارت می‌رود، در مقابل دروازه ورودی دفترشان یک بار دیگر تلاشی بدنی می‌شود. برای این‌که نمی‌خواهم شماره ۱۱ را اضافه کنم، همین‌جا یادآور می‌شوم که در وقت خارج شدن از وزارت، همه مراجعان و ماموران یک بار دیگر تلاشی بدنی می‌شوند.

در طول تاریخ و در ادبیات فارسی محک گذشتن از مشکلات و کارهای سخت، هفت خوان رستم بوده است، ولی این هفت خوان را وزارت داخله طالبان به ۱۰ خوان طالبانی تبدیل کرده است. بدتر از همه این‌که ماموران این دفاتر شاید روزانه دو تا چهار مرتبه از این دو دروازه اشعه ایکس بگذرند و صحت و حیات‌شان در معرض خطر بیشتر قرار گیرد؛ زیرا در معرض اشعه مکرر قرار گرفتن، باعث تخریب حجرات عضویت و زایش سرطان‌های خطرناک از جمله basal cell carcinoma می‌شود.

نمی‌دانم چرا به یکباره‌گی وعده حکومت‌های عمری و مردمی به باد هوا رفت و عوض آن قواعد دیکتاتوری تطبیق می‌شود. امیدوارم این مطلب به گوش تمام ماموران ادارات و مراجعان مکرر این وزارت‌خانه‌ها برسد تا بتوانند این دروازه‌ها را از راه‌های ورودی وزارت‌خانه‌ها و دفاتر خود بردارند؛ در غیر آن، همه در مدت نه‌چندان طولانی، در معرض خطراتی مانند سرطان، امراض خون، عقامت و صدمه حجرات عضویت، خصوصاً حجرات دماغی، قرار می‌گیرند.

گشت‌وگذار در شهرهای افغانستان و حتا رفتن به ماموریت و کار، برای مردم خطرناک شده است. طالبان صرف در فکر مصونیت و امنیت خود هستند و برای تامین آن شهروندان افغانستان را با سرگردانی و حتا خطر جانی مواجه می‌سازند. از سوی دیگر، نبود قانون و تصامیم متفاوت در مقابل عین عمل، سردرگمی و ترس را در ذهن مردم افغانستان جا داده است. بنابراین، در صورت مواجه شدن با یک اتفاق، کسی نمی‌داند که طالب با او چگونه برخورد می‌کند. مثلاً ماموران پایین‌رتبه دوران جمهوریت به خاطر یک امضا در پای سند، صرف برای باز شدن یک آفر به ده‌ها سارنوال و محکمه حواله می‌شوند، ولی صدیق چکری و ده‌ها امثال او با دوسیه و حکم زندان از طرف محاکم مصونیت دارند. حتا اگر مطابق شریعت از مرجعی شکایت کنی، هیچ گوش شنوایی وجود ندارد، اما به محض شکایت شدن از شما، فوراً جلب می‌شوید و به زندان می‌افتید.

خلاصه این‌که به جز خود طالبان که همه مصونیت‌ها را دارند، دیگر هیچ‌کسی مصون نیست. وقتی از خانه خارج می‌شوی، نمی‌دانی با کدام سرنوشت و خطر مواجه خواهی شد؛ زیرا در هر ایستگاه بازرسی طالبان هر طالب با قوانین خاص خود با مردم برخورد می‌کند. بعضی ایستگاه‌های طالبان بیش از حد معمول صمیمی و شوخ‌طبع‌اند و برخی نهایت خشن و آماده برخورد زشت با راکبان موترها و رهگذران هستند. در کل، در ایستگاه‌های بازرسی، جوانان کم‌سواد، بی‌سواد، حساس و اغلب عقده‌ای در مقابل مردم شهری جابه‌جا شده‌اند و با اندک مباحثه و دلیل، به دشمن جانی شما تبدیل می‌شوند. یک جنگ‌جوی پایین‌رتبه طالب در ایست بازرسی، به‌حیث پولیس، سارنوال، قاضی و حتا زندانبان عمل می‌کند.

از سوی دیگر، تدابیر امنیتی برای حفظ جان مقام‌های طالبان، خطرات زیادی را برای ماموران، مراجعان ادارات دولتی و حتا عابران بار آورده است. عمده‌ترین بخش آن، نصب دروازه‌های امنیتی در ادارات عامه دولتی و حتا سرک‌های عمومی است که تعداد زیادی از مردم روزانه چندین بار از آن‌جا عبور می‌کنند. این تدابیر امنیتی که ریسک بالای صحتی و حیاتی دارند، به جای این‌که نظر به دوران جمهوریت کمتر شود، روزبه‌روز در حال زیاد شدن و خطرناک شدن است. دیوارهای کانکریتی در بعضی از قسمت‌های شهر حتا در دورترین مناطق از مرکز شهر، قسمی ترتیب شده است که اگر بخواهی در بین سرک‌های فرعی از یک کوچه به کوچه دیگر بروی، باید داخل سرک عمومی و از یک ایستگاه بازرسی طالبان بگذری. منتقدان جمهوریت به شمول طالبان همیشه از این دیوارهای کانکریتی و انسداد سرک‌ها شاکی بودند، ولی حکام امروزی این سنت را نهادینه‌تر می‌سازند تا ماموران بلندرتبه طالبان به قیمت به خطر افتادن جان شهروندان، در پشت دیوارهای کانکریتی مصون‌تر باقی بمانند.

در این روزها، رفتن به دفاتر دولتی تهدید صحت و حیات است. افراد زیاد و کارمندان‌شان متوجه این نکات نیستند و روزانه چندین مرتبه این خطرات را ناآگاهانه به جان می‌خورند و مقدار شعاعات مضره در وجودشان بیشتر می‌شود؛ زیرا در همه ادارات دولتی دروازه‌های امنیتی نصب شده است که باید همه از این دروازه‌ها عبور کنند. حتا در سرک وزارت خارجه، گذشته از گلبهار سنتر، یک دروازه نصب شده است. روزانه هزارها تن مجبورند از این دروازه بگذرند. این دروازه‌های امنیتی با شعاع X-ray بسیار ضعیف کار می‌کنند و تولید کمپنی‌های باکیفیت نیستند. به همین دلیل، خطر صحتی و حیاتی این‌ها بیشتر است. این دروازه‌ها از سر تا پای عابران و ماموران ادارات را شعاع می‌دهند و تمام عضویت در معرض خطر قرار می‌گیرد. کارمندان وزارت‌های خارجه و اقتصاد اگر هر روز دو بار از این دروازه بگذرند و هر مرتبه ۳۰ یواسوی (uSV) شعاع بگیرند، در مدت نه‌چندان دراز صحت و حیات‌شان با خطر جدی مواجه می‌شود. این دروازه‌های خطرناک در اکثر ادارات، حتا در وزارت صحت عامه، استفاده می‌شود. بدترین وضعیت در وزارت داخله است که هیچ مرکز اتومی دنیا به این شکل محافظت نمی‌شود. از نام وزارت داخله معلوم است که کارهای داخلی مملکت

کوچ اجباری و تصرف خانه‌ها در پنجشیر؛ طالبان ۴۰ خانواده دیگر را کوچانده‌اند

به گفته منابع، طالبان به باشندگان محل تذکر داده‌اند که همه مردم پنجشیر در نظام جمهوریت وظیفه داشتند و جایادهای‌شان نیز مربوط به حکومت این گروه است. باشندگان محل اما اقدام طالبان مبنی بر کوچ اجباری یک گروه خاص قومی از خانه‌های‌شان را «غیر انسانی» توصیف می‌کنند و هشدار می‌دهند که ادامه این روند به گسترش دامنه تعصب منجر خواهد شد.

۸ صبح، پنجشیر

تخلیه کنیم. حالا در خانه ما یک خانواده‌شان را از ولایت هلمند آورده و نشانده‌اند. طالبان نسبت به مال ما به چشم غنیمت و خود ما را دشمن فکر می‌کنند. اصلاً نه هوای سرد برای آن‌ها مهم است و نه فقر مردم. ما مردم یک روز آرام نیستیم. ده‌ها خانواده در حال حاضر در بی‌سرنوشتی به سر می‌برند.

در کنار این، طالبان شماری از خانواده‌هایی که به خانه مقام‌های حکومت پیشین آورده شده بودند را نیز کوچ داده‌اند. این خانواده‌ها به دلیل جابه‌جایی قرارگاه‌های نظامی طالبان در خانه‌های رهایی‌شان، آورده و در این خانه‌ها جابه‌جا شده بودند. بر بنیاد یافته‌های روزنامه ۸ صبح، در تازه‌ترین مورد، طالبان چندین خانواده آورده را که در خانه‌های مقام‌های حکومت پیشین در ولسوالی آبشار این ولایت مسکن گزیده بودند، کوچ داده و جنگ‌جویان خود را در این خانه‌ها جابه‌جا کرده‌اند. بر اساس این گزارش، طالبان خانه‌های جنرال رجب، دگروال عبدالغنی، دگروال داوود، شکرالله (افسر ریاست امنیت ملی حکومت پیشین)، جان محمد، محمدخان و کبیرخان را که آورده‌گان زنده‌گی می‌کردند، به‌گونه اجباری تخلیه کرده‌اند.

یکی از ساکنان محل در ولسوالی آبشار ولایت پنجشیر که از ذکر نامش در گزارش خودداری می‌کند، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «از این میان طالبان قفل دروازه یک داکتر به نام محمدخان در ولسوالی آبشار را شکستاده و افراد خودشان را جابه‌جا کرده‌اند. طالبان به بسیاری از خانواده‌ها حتا اجازه نداده‌اند تا وسایل‌شان را بیرون کنند.»

چندی پیش نیز طالبان به شماری از باشندگان عنابه تا مرکز پنجشیر دستور دادند تا خانه‌های خود را تخلیه و منطقه را ترک کنند. هر چند طالبان تاکنون به‌گونه رسمی دلیل این کوچاندن‌ها را اعلام نکرده‌اند، اما باشندگان محل جنگ‌جویان طالبان را به غصب خانه‌های خود متهم می‌سازند.

به گفته منابع، طالبان به باشندگان محل تذکر داده‌اند که همه مردم پنجشیر در نظام جمهوریت وظیفه داشتند و جایادهای‌شان نیز مربوط به حکومت این گروه است. باشندگان محل اما اقدام طالبان مبنی بر کوچ اجباری یک گروه خاص قومی از خانه‌های‌شان را «غیر انسانی» توصیف می‌کنند و هشدار می‌دهند که ادامه این روند به گسترش دامنه تعصب منجر خواهد شد.

روند تخلیه اجباری خانه‌های رهایی از سوی طالبان در پنجشیر همچنان ادامه دارد. افراد طالبان در یک هفته گذشته دست‌کم ۴۰ خانواده را تنها از ولسوالی خنج این ولایت از خانه‌های‌شان کوچ داده‌اند. منابع ادعا دارند که طالبان در خانه‌های تخلیه‌شده، خانواده‌های جنگ‌جویان خود را جابه‌جا می‌کنند. طبق اظهارات منابع، طالبان بیشتر در صدد تخلیه خانه‌هایی‌اند که به‌صورت پخته و اساسی اعمار شده‌اند. باشندگان محل اما خواهان توقف روند تخلیه اجباری خانه‌های رهایی از سوی طالبان هستند؛ خواستی که طالبان تاکنون به آن پاسخ مثبت نگفته‌اند. طبق گزارش‌ها، افراد این گروه چندی پیش نیز شماری از خانه‌های رهایی در منطقه‌ای بین ولسوالی عنابه تا بازارک، مرکز ولایت پنجشیر را به‌گونه اجباری تخلیه و خانه‌ها را تصاحب کرده‌اند.

یافته‌های روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که طالبان در یک هفته گذشته دست‌کم ۴۰ خانه رهایی را در روستاهای پاوات، اشکشو، قلات و متای ولسوالی خنج ولایت پنجشیر به‌گونه اجباری تخلیه کرده‌اند.

هارون، یکی از باشندگان ولسوالی خنج ولایت پنجشیر است که طالبان خانه‌اش را تصاحب کرده‌اند. او ادعا دارد که طالبان از چندی به این سو ده‌ها باشند ولسوالی خنج را کوچ اجباری داده و در خانه‌های آنان خانواده‌های جنگ‌جویان خود را جابه‌جا کرده‌اند. هارون می‌افزاید: «طالبان جست‌وجو می‌کنند و هر فردی که دو خانه - یکی در پنجشیر و یکی در جای دیگری به‌ویژه کابل - داشته باشند را کوچ اجباری می‌دهند و در منازل‌شان خانواده‌های جنگ‌جویان خود را جابه‌جا می‌کنند.» به گفته هارون، طالبان به گسترش فقر و هوای سرد زمستان توجه ندارند و همه‌روزه باشندگان محل را در بخش‌های مختلف پنجشیر مجبور به کوچ اجباری می‌کنند.

روح‌الله، یکی دیگر از ساکنان ولسوالی خنج ولایت پنجشیر، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که طالبان خانواده او را نیز از خانه‌اش کوچ داده‌اند. روح‌الله اکنون با خانواده‌اش در کابل زنده‌گی می‌کند. او می‌افزاید که طالبان بیشتر در صدد تخلیه خانه‌هایی‌اند که به‌صورت پخته و اساسی اعمار شده‌اند. این قربانی کوچ اجباری توسط طالبان، اضافه می‌کند: «طالبان جست‌وجو کرده بودند که ما یک خانه در کابل هم داریم. باز برای ما هفته گذشته سه روز مهلت تعیین کردند تا خانه پنجشیرمان را



حکیم عمر خیام و مهستی گنجوی



پرتو نادری

مهستی، آن ماهبانو یا بزرگ بانوی شعر پارسی دری، در اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم هجری می‌زیست. زادگاه او شهر گنجه است، ولی در روایت‌هایی او را به نیشابور، بدخشان و خجند نیز نسبت داده‌اند.

در پیوند به زنده‌گی مهستی روایت‌های زیادی وجود دارند؛ اما چنین روایت‌هایی ما را نه تنها در امر شناخت جزئیات زنده‌گی او کمک نمی‌کنند، بلکه سیمای او را برای ما بیشتر غبارآلود می‌سازند. چنان‌که هنوز نمی‌دانیم او چه سالی به دنیا آمده و چه سالی از این جهان رفته است. در این پیوند هر سخنی که گفته‌اند، به قیاس گفته‌اند.

در مقدمه‌ای که رافائیل حسینوف بر کتاب رباعی‌های مهستی نوشته، سال تولد او را ۱۰۹۲ عیسایی گفته است که برابر است با ۴۷۱ خورشیدی.

تاریخ خاموشی مهستی به‌گونه دقیق روشن نیست؛ اما به گفته رافائیل، او در اواخر سده ۱۲ عیسایی از جهان چشم پوشیده است.

(نادری، پرتو، مرواریدهای رنگین، انتشارات مقصودی، ۱۴۰۱، ص ۲۰)

مهستی با عمر خیام هم‌روزگار بود. روایت‌هایی نیز وجود دارد که او با عمر خیام دیداری داشته است. اگر بپذیریم، باید چنین دیداری زمانی رخ داده باشد که او در دربار سلطان سنجر (۵۱۱-۵۵۲ ق/ ۱۱۱۸-۱۱۵۷) در مرو به سر می‌برد یا هم در سفری در نیشابور چنین دیداری رخ داده باشد.

با یک مقایسه در میان چهارگانی‌های مهستی و عمر خیام، درمی‌یابیم که چهارگانی‌های این دو شاعر، چه از نظر زبان و چه از نظر نگرش به هستی و آرایه‌های ادبی، همگونی‌های زیادی دارند. گاهی حتا می‌اندیشی که شماری از این چهارگانی‌ها، سروده‌های یک شاعرند؛ اما به نام دو شاعر. این همگونی‌ها چنان برجسته و چشم‌گیر است که می‌اندیشی هر دو شاعر، مهستی و خیام، در تفاهم باهم خواسته‌اند چنین اندیشه‌هایی را با استفاده از قالب چهارگانی در شعر پارسی دری گسترش دهند.

هنگام صبح اگر بت حورسرسشت
پرمی قدحی به من دهد بر لب کشت
هرچند که این سخن بر من باشد زشت
سگ به ز من ار هیچ کنم یاد بهشت

(رباعیات، مهستی گنجوی، اکادمی علوم آذربایجان، ۱۹۸۵، ص ۶)

همین مضمون و همین زبان شاعرانه را در این رباعی خیام، این‌گونه می‌بینیم:

در فصل بهار اگر بت حورسرسشت
یک ساغر می دهد مرا بر لب کشت
هرچند به نزد عامه این باشد زشت
سگ به ز من است اگر برم نام بهشت

(رباعیات، حکیم عمر خیام، با مقدمه فروغی، محمد علی، انتشارات زوار، ۱۳۸۹، ص ۳۵)

وقتی این دو چهارگانی را باهم مقایسه می‌کنیم، نمی‌توانیم بگوییم که شاعر پیش‌گام، کدام یک بوده است؛ عمر خیام یا مهستی گنجوی. جز آن‌که شهرت خیام ما را برانگیزد تا بگوییم که مهستی به دنبال خیام گام برداشته است. اگر چنین هم ببیندیشیم، این نکته را باید در نظر داشته باشیم که مهستی در روزگار خود شاعر پراوازه‌ای بود. شعر او به گوش مردم رسیده بود و حتا به دربار ملک شاه سلجوقی؛ در حالی که خیام هنوز در شاعری آوازه‌ای نداشت. خیام به دانش و فلسفه خود آوازه داشت.

خوش‌باشی، شادکام زیستن و بی‌اعتنایی به این جهان گذران، یکی از اندیشه‌های پایه‌ای عمر خیام در چهارگانی‌های او است.

بخشی از چهارگانی‌های مهستی نیز با چنین اندیشه‌ای سروده شده‌اند.

مرگ در پیش است. در هر مقام و جایگاهی که باشی، از آن گزیری نیست، پس باید از زنده‌گی کام گرفت.

گر ملک تو مصر و روم و چین خواهد بود
آفاق تو را زیر نگین خواهد بود
خوش باش که عاقبت نصیب من و تو
ده گز کفن و سه گز زمین خواهد بود

«پریر» یک روز گذشته از دیروز را گویند و «پیش‌پریر» یک روز پیش از پریر را گویند؛ یعنی دو روز گذشته از دیروز. «دینه» به مفهوم دیروز که هنوز در گفتار مردم وجود دارد.

بگذشت پریر باد بر لاله و ورد
دی خاک چمن سنبل تر بار آورد
امروز خور آب شادمانی زیراک
فردات همی آتش غم باید خورد

(همان، ص ۲۹)

در آتش پریر بودم به نهفت
در باد صبا خوش‌سخنی با من گفت
کامروز هر آن که آبرویی دارد
فرداش به خاک تیره می‌باید خفت

(همان، ص ۱۶)

در این چهارگانی‌ها نیز، همان اندیشه‌های خیامی را می‌بینیم؛ هستی انسان را با مفهوم زمان می‌سنجد. پریر، دی، امروز و فردا واحدهای شناخت زمان است. با تکرار این واحدها، از گذشت زمان می‌گوید. زمان که می‌گذرد، هستی انسان نیز می‌گذرد؛ برای آن‌که انسان نمی‌تواند هستی خود را به گذشته برگرداند؛ چون با گذشت زمان هستی انسان نیز می‌گذرد.

هستی انسان وابسته به همین روزی است که در اختیار دارد. از فردا یعنی آینده چیزی نمی‌داند و نمی‌تواند بدون گذشت زمان خود را به آینده برساند. اندیشه‌هایی را که در این پیوند مهستی بیان کرده است، در رباعی‌های خیام نیز می‌بینیم.

امروز ترا دسترس فردا نیست
واندیشه‌ی فردات به جز سودا نیست
ضایع مکن این‌دم از دلت شیدا نیست
کاین باقی عمر را بها پیدا نیست

(رباعیات، حکیم عمر خیام، ص ۱۰)

این یک دو سه روز نوبت عمر گذشت
چون آب به جویبار و چون باد به دشت
هرگز غم دو روز مرا یاد نگشت
روزی که نیامده‌ست و روزی که گذشت

(همان، ص ۱۸)

چون بلبل مست راه در بستان یافت
روی گل و جام باد را خندان یافت
آمد به زبان حال در گوشم گفت
دریاب که عمر رفته را نتوان یافت

(همان، ص ۲۵)

ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم
وی یک دم عمر را غنیمت شمیریم
فردا که از این دیر فنا درگذریم
با هفت‌هزارساله‌گان سربه‌سریم

(همان، ص ۱۲۱)

از دی که گذشت هیچ ازو یاد مکن
فردا که نیامده‌ست فریاد مکن
بر نامده و گذشته بنیاد مکن
حالی خوش باش و عمر برباد مکن

(همان، ص ۱۳۶)

برخیز و مخور غم جهان گذران
بنشین و دمی به شادمانی گذران
در طبع جهان اگر وفاپی بودی
نوبت به تو خود نیامدی از دگران

(همان، ص ۱۳۸)

چنین است که خیام و مهستی مفهوم زنده‌گی را در همان زمانی درمی‌یابند که در اختیار دارند؛ یعنی زمان حال، همان دمی که در اختیار داریم. وقتی خیام می‌گوید: «این دم که فرد برم بر آرم یا نه» به یک لحظه، به یک دم می‌اندیشد.

وقتی از آینده چیزی نمی‌دانیم و نه هم گذشته در اختیار ما است، پس باید در همان لحظه‌هایی که در آن نفس می‌کشیم، به زنده‌گی ببیندیشیم و از آن لذت ببریم؛ چون می‌دانیم که گذشت زمان در اختیار ما نیست. می‌شود گفت: این زمان است که ما را در اختیار خود دارد.

چنین شاعرانی در حقیقت با زیستن در شادکامی و لذت بردن از زنده‌گی، می‌خواهند از زمان انتقام گیرند.

نیکی و بدی که در نهاد بشر است
شادی و غمی که در قضا و قدر است
با چرخ مکن حواله کلندر ره عقل
چرخ از تو هزار بار بیچاره‌تر است

(رباعیات، حکیم عمر خیام، ص ۴۸)

یا در این رباعی دیگر که خیام چرخش نظام هستی را یک امر جبری می‌داند:

در گوش دلم گفت فلک پنهانی
حکمی که قضا بود ز من دانی
در گردش خویش اگر مرا دست بدی
خود را برهاندمی ز سرگردانی

مرگ سرنوشت انسان است و این سرنوشت جبر و شر است. انسان اگر در دل سنگ هم پنهان شود، باز هم از مرگ چاره‌ای ندارد و آب اجل در دل سنگ نیز نفوذ می‌کند.

در سنگ اگر شوی چو نار ای ساقی
هم آب اجل کند گذار ای ساقی
خاک است جهان صوت بر آری ساقی
باد است نفس باده بیار ای ساقی

(همان، ص ۸۱)

تا چند حدیث پنج و چار ای ساقی
مشکل چه یکی چه صد هزار ای ساقی
خاکیم همه چنگ بساز ای ساقی
بادیم همه باده بیار ای ساقی

(رباعیات حکیم عمر خیام، ص ۱۶۸)

در پاره‌ای از چهارگانی‌های مهستی گاهی باد، خاک، آب و آتش و چهار روز و چهار گونه گل در کنار هم به تکرار آمده‌اند.

باد، خاک، آب و آتش، هنوز در آن روزگار چنان عناصر اولیه پنداشته می‌شدند که نه تنها مزاج و طبیعت انسان را بر بنیاد ترکیب آنان می‌سنجیدند، بلکه طبیعت را نیز بر ساخته از آنان می‌دانستند. او از این اجزای طبیعت برای بیان گذرا بودن زنده‌گی استفاده می‌کند که گاهی سخنش با افسوس و دریغ می‌آمیزد و بیشتر برای آن است که نشان دهد همه چیز در گذر است. پس در این زنده‌گی ناپدار باید خوش بود و آن را به شادکامی گذراند.

آتش چو پریر آتش شور انگیخت
دی نرگس آب شرم از دیده بریخت
امروز بنفشه عطر با خاک آمیخت
فردا سحری باد سمن خواهد بیخت

(رباعیات، مهستی گنجوی، ص ۳)

کردی به سخن پریرم از هجر آزاد
بر وعده‌ی بوسه دی دلم کردی شاد
گر ز آن چه پریر گفته‌ای ناری یاد
باری سخنان دینه یادت باد

(همان، ص ۲۵)

(رباعیات مهستی گنجوی، ص ۲۳)

در وقت بهار جز لب جوی مجوی
جز وصف رخ یار سمن‌روی مجوی
جز باده‌ی گل‌رنگ به شب‌گیر مگیر
جز زلف بتان عنبرین‌بوی مجوی

(همان، ص ۹۱)

آن‌گونه که در این رباعی دیده می‌شود، گذشته از یگانگی محتوا و پیام، مهستی به‌گونه چشم‌گیری صنعت جناس را به کار گرفته است. چنان‌که این‌جا در جناس‌های جوی، مجوی، گبر، مگیر، بوی و مجوی را می‌بینیم. خیام نیز در رباعی‌هایی، از صنعت جناس بسیار گرفته است.

فصل گل و طرف جویبار و لب کشت
با یک دو سه اهل و لعبت حورسرسشت
پیش آر قدح که باده‌نوشان صبح
آسوده ز مسجدند و فارغ ز کنشت
(رباعیات، حکیم عمر خیام، ص ۳۹)

این هم چند چهارگانی دیگر که نشان می‌دهد مهستی با خیام نسبت به هستی و زنده‌گی چه‌قدر اندیشه‌ها و دریافت‌های همگون دارند:

در آتش دل پریر بودم به نهفت
دی باد سبا خوش‌سخنی با من گفت
کامروز هر آن‌که آبرویی دارد
فرداش به خاک تیره می‌باید خفت
(رباعیات، مهستی گنجوی، ص ۱۶)

باد آمد و گل بر سر می‌خواران ریخت
یار آمد و می در قدح یاران ریخت
آن عنبر تر رونق عطاران برد
وان نرگس مست خون هشیاران ریخت

(همان، ص ۳)

ایام چو آتش‌کده از سینه‌ی ماست
عالم کهن از وجود دیرینه‌ی ماست
اینک به مثل چو کوزه‌ای آب خوریم
از خاک برادران پیشینه‌ی ماست

(همان، ص ۹)

مهستی در پاره‌ای از رباعی‌های خود مانند خیام از جبر سخن می‌گوید و این‌که انسان هرچند به قدر توان انسانی خود تلاش می‌کند تا تقدیر خود را تغییر دهد، اما نمی‌تواند گره قضا و قدر را بگشاید. پس انسان محکوم به سرنوشتی است که در ازل برایش نوشته‌اند.

در طاس فلک نقش قضا و قدر است
مشکل گرهی‌ست، خلق از این بی‌خبر است
پندار مدار کاین گره بکشایند
بکشادن این گره به قدر بشر است

(همان، ص ۲۰)



تیم فوتبال کرواسیا چهار بریک کانادا را شکست داد

تیم فوتبال کرواسیا در دومین دیدار در مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، تیم فوتبال کانادا را شکست داد.

در این دیدار که یکشنبه شب، ۲۷ نوامبر، در ورزشگاه بین‌المللی خلیفه برگزار شده بود، کرواسیا چهار بر یک پیروز شد.

در نیمه نخست این دیدار کانادا تا دقیقه ۴۳ یک بر صفر پیش بود، اما در دقیقه ۴۴ بازیکنان کرواسیا گول خورده را جبران کردند تا نتیجه بازی مساوی شود.

نیمه دوم، شاگردان زلاتکو دالیچ سه بار دیگر دروازه میلان برجان را باز کردند تا نتیجه بازی چهار بر یک به نفع کرواسیا شود.

در این دیدار مارکو لیوایا و لورو ماجر هر کدام یک بار و آندری کراماریچ دو بار برای کرواسیا گولزنی کردند و تک‌گول کانادا را آلفونسو دیویس به ثمر رساند.

با این پیروزی کرواسیا با چهار امتیاز و تفصل گول بیشتر نسبت به مراکش، در جایگاه نخست گروه «F» رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۲ قطر قرار گرفت.



جام جهانی ۲۰۲۲؛ جایان در برابر کاستاریکا شکست خورد

تیم ملی فوتبال جاپان در دومین دیدار در جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ قطر، در برابر کاستاریکا شکست را پذیرفت.

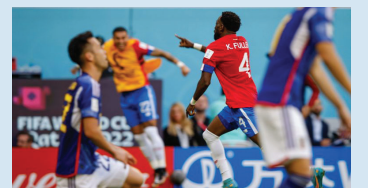
تیم ملی فوتبال جاپان که در نخستین بازی خود در جام جهانی در برابر تیم ملی آلمان پیروز شده بود، در دومین دیدار شکست را در برابر تیم ملی فوتبال کاستاریکا پذیرا شد.

این بازی عصر روز یکشنبه، ۲۷ نوامبر، در ورزشگاه احمد ابن علی برگزار شد و در دقیقه آخر بازی کیشر فولر، توپ را وارد دروازه جاپان کرد و به این ترتیب کاستاریکا پیروز این دیدار شد.

کاستاریکا با این برد، سه امتیازی شد و در گروه E پس از جاپان و اسپانیا قرار گرفت.

این در حالی است که کاستاریکا در نخستین بازی خود برابر اسپانیا هفت در برابر صفر باخته بود.

در دیگر دیدارهای این گروه، قرار است آلمان امشب در برابر اسپانیا صف‌آرایی کند.



پرونده جنایات طالبان

روی میز دادگاه جرایم بین‌المللی

زرگی سجاد



رویه دادگاه جرایم بین‌المللی بر این استوار بوده است که برای تامین عدالت باید رهبران و مدیران ارشد گروه‌ها و دولت‌های جنایتکار بازداشت و محاکمه شوند تا عدالت به صورت بهتر تامین شود.

درخواست اجازه آغاز تحقیق را به قضات دادگاه تسلیم کند.

در درخواستی را که دادستانی دادگاه در سال ۲۰۱۷ به قضات سپرد، یک بار دیگر تاکید شد که دلایل لازم برای ارتکاب جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت توسط طالبان در افغانستان وجود دارد و باید روند تحقیق این جرایم از جانب دادستانی این دادگاه آغاز شود.

اکنون که قضات دادگاه اجازه آغاز روند تحقیق را به دادستانی این دادگاه اعطا کرده‌اند، سوال این است که تبعات حقوقی این تصمیم چه می‌تواند باشد؟ و چه کسانی به صورت بالقوه می‌توانند متهمان این جرایم قرار بگیرند؟

دادستانی با استفاده از اسناد، شهادت شهود و سایر مدارک و روش‌های تحقیق که در اساس‌نامه دادگاه تذکر رفته است، تحقیق را انجام می‌دهد. در پایان روند تحقیق، دادستانی دادگاه ممکن است که به یکی از دو نتایج دست یابد؛ اول، این که ممکن است تحقیق را متوقف کند. تحقیق در سه حالت می‌تواند متوقف شود: ۱- ممکن جرایم اصلاً ارتکاب نیافته باشد؛ ۲- جرایم ارتکاب‌یافته در صلاحیت دادگاه نباشد؛ و ۳- رسیده‌گی به جرایم، کمکی به تامین عدالت نکند.

حالت دوم، در پایان روند تحقیق این است که دادگاه با استناد به مدارک و شواهد لازم ارتکاب جرایم را تایید کند و در نتیجه کسانی که این جرایم را مرتکب شده‌اند، بازداشت و به دادگاه احضار شوند. البته هر دو گزینه مراحل خاص اداری و قانونی خود را دارد که ممکن با توجه به شرایط کشورها، چگونه‌گی همکاری کردن با دادگاه و دسترسی به اسناد و شواهد، سال‌ها طول بکشد.

نباید فراموش کرد که جرایم جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی از جرایمی‌اند که مرور زمان بر آن‌ها تاثیر نمی‌گذارد و ممکن است چندین دهه بعد از ارتکاب، دادگاه بتواند مرتکبان را محاکمه کند. همچنان کسانی که این جرایم را مرتکب می‌شوند، در هر سطح و مقامی که باشند، نمی‌توانند از مصونیت استفاده کنند. بنابراین، در هر زمان و در هر مکانی که حقوق بین‌الملل اجازه دهد، قابل پی‌گرد خواهند بود.

به‌طور نمونه، دادگاه جرایم بین‌المللی در سال ۲۰۰۹ حکم بازداشت عمر البشیر، رئیس‌جمهور سودان را صادر کرد. او به دلیل نگرانی از بازداشت شدن نمی‌توانست به کشورهای که طبق حقوق بین‌الملل مکلف به گرفتاری و تسلیمی وی به دادگاه بودند، سفر کند.

رویه دادگاه جرایم بین‌المللی بر این استوار بوده است که برای تامین عدالت باید رهبران و مدیران ارشد گروه‌ها و دولت‌های جنایت‌کار بازداشت و محاکمه شوند تا عدالت به صورت بهتر تامین شود. در سال‌هایی که حکومت پیشین با این دادگاه تبادل‌ه معلومات می‌کرد، شواهدی از چگونه‌گی به دادگاه کشانیدن طالبان و سایر گروه‌های تبه‌کار در نظام قضایی افغانستان جهت معلومات به این دادگاه، به این پرونده‌ها اشاره شده و گفته شده که در این پرونده‌ها اکثر افراد پایین‌رتبه به دادگاه کشانیده شده‌اند و نشانه‌ای از به دادگاه کشانیدن کسانی که این جنایات را رهبری و برنامه‌ریزی می‌کنند، وجود ندارد.

با توجه به این مساله، این دادگاه به دنبال تحقیق روی چگونه‌گی نقش رهبران طالبان در رهبری، برنامه‌ریزی و سوق‌دهی حملاتی خواهد بود که منجر به جرایم جنگی یا جنایت علیه بشریت شده است.

در اولین گزارشی که این دادگاه از رسیده‌گی‌های مقدماتی در سال ۲۰۱۱ نشر کرد، طالبان به بیشترین کشتار غیرنظامیان متهم شد که تعداد آن‌ها به ۱۰ هزار تن بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ می‌رسید.

به‌طور مشخص اتهام‌هایی که به طالبان در اولین گزارش وارد شد، شامل کشتار غیرنظامیان در حمله‌های انتحاری و راکتی، کشتن غیرنظامیان برای حکومت یا موسسات کار می‌کرد، کشتن چهره‌های سیاسی و زنان بود. در این گزارش از به‌کارگیری کودکان در جنگ و حمله‌های انتحاری نیز تذکر رفت. در کنار قتل و شکنجه غیرنظامیان، حمله و تخریب مساجد، شفاخانه‌ها و مکتب‌های دخترانه نیز از جمله مواردی بود که طالبان به آن‌ها متهم شدند.

دادگاه در این گزارش جرایم ارتکاب‌یافته در افغانستان دسته‌بندی نکرد و دلیل این کار را هم دریافت گزارش‌های بیشتر و همچنان بررسی‌های لازم حقوقی اعلام کرد. در گزارش بعدی که دادگاه در سال ۲۰۱۲ از بررسی‌های مقدماتی نشر کرد، بیان شد که این دادگاه در حال بررسی است که آیا دلایل لازم وجود دارد تا بتوان جرایم ارتکاب‌یافته در افغانستان را به جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت دسته‌بندی کرد یا خیر. البته دامن اتهام‌ها علیه طالبان در این گزارش دراز شد؛ آن‌ها علاوه بر جرایمی که در گزارش قبلی به آن‌ها متهم بودند، به جرایم جدیدی نیز متهم شدند، از جمله حمله عمدی بر مراکز فرهنگی، محکمه صحرایی و کشتار کارمندان دفاتر کمک‌های بشردوستانه.

دادگاه در سال ۲۰۱۳ برای اولین بار اعلام کرد که در نتیجه بررسی‌های مقدماتی این نهاد، مشخص شده که جرایم ارتکاب‌یافته از جانب طالبان شامل جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی می‌شود و رسیده‌گی به آن‌ها در چارچوب صلاحیت دادگاه جرایم بین‌المللی است. همچنان دادگاه اعلام کرد که براساس یافته‌های این نهاد، جرایمی که زیر عنوان جنایت علیه بشریت دسته‌بندی می‌شوند، به‌صورت منظم و گسترده از جانب طالبان ارتکاب یافته‌اند و رهبری این گروه در مدیریت، برنامه‌ریزی و سوق این جرایم به‌صورت مستقیم دست دارند.

با توجه به شواهد، مدارک و اسنادی که دادگاه جرایم بین‌المللی به دست آورده بود، به این نتیجه رسید که دلایل لازم برای آغاز تحقیق جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت در افغانستان وجود دارد. دادستانی این دادگاه مطابق اساس‌نامه دادگاه، تصمیم گرفت تا

شده است.

در اولین گزارشی که این دادگاه از رسیده‌گی‌های مقدماتی در سال ۲۰۱۱ نشر کرد، طالبان به بیشترین کشتار غیرنظامیان متهم شد که تعداد آن‌ها به ۱۰ هزار تن بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ می‌رسید.

به‌طور مشخص اتهام‌هایی که به طالبان در اولین گزارش وارد شد، شامل کشتار غیرنظامیان در حمله‌های انتحاری و راکتی، کشتن غیرنظامیان برای حکومت یا موسسات کار می‌کرد، کشتن چهره‌های سیاسی و زنان بود. در این گزارش از به‌کارگیری کودکان در جنگ و حمله‌های انتحاری نیز تذکر رفت. در کنار قتل و شکنجه غیرنظامیان، حمله و تخریب مساجد، شفاخانه‌ها و مکتب‌های دخترانه نیز از جمله مواردی بود که طالبان به آن‌ها متهم شدند.

دادگاه در این گزارش جرایم ارتکاب‌یافته در افغانستان دسته‌بندی نکرد و دلیل این کار را هم دریافت گزارش‌های بیشتر و همچنان بررسی‌های لازم حقوقی اعلام کرد. در گزارش بعدی که دادگاه در سال ۲۰۱۲ از بررسی‌های مقدماتی نشر کرد، بیان شد که این دادگاه در حال بررسی است که آیا دلایل لازم وجود دارد تا بتوان جرایم ارتکاب‌یافته در افغانستان را به جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت دسته‌بندی کرد یا خیر. البته دامن اتهام‌ها علیه طالبان در این گزارش دراز شد؛ آن‌ها علاوه بر جرایمی که در گزارش قبلی به آن‌ها متهم بودند، به جرایم جدیدی نیز متهم شدند، از جمله حمله عمدی بر مراکز فرهنگی، محکمه صحرایی و کشتار کارمندان دفاتر کمک‌های بشردوستانه.

دادگاه در سال ۲۰۱۳ برای اولین بار اعلام کرد که در نتیجه بررسی‌های مقدماتی این نهاد، مشخص شده که جرایم ارتکاب‌یافته از جانب طالبان شامل جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی می‌شود و رسیده‌گی به آن‌ها در چارچوب صلاحیت دادگاه جرایم بین‌المللی است. همچنان دادگاه اعلام کرد که براساس یافته‌های این نهاد، جرایمی که زیر عنوان جنایت علیه بشریت دسته‌بندی می‌شوند، به‌صورت منظم و گسترده از جانب طالبان ارتکاب یافته‌اند و رهبری این گروه در مدیریت، برنامه‌ریزی و سوق این جرایم به‌صورت مستقیم دست دارند.

با توجه به شواهد، مدارک و اسنادی که دادگاه جرایم بین‌المللی به دست آورده بود، به این نتیجه رسید که دلایل لازم برای آغاز تحقیق جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت در افغانستان وجود دارد. دادستانی این دادگاه مطابق اساس‌نامه دادگاه، تصمیم گرفت تا

در روزهایی که دادگاه جرایم بین‌المللی به برخورد دوگانه با وضعیت افغانستان و اوکراین متهم شده بود، قضات این دادگاه تصمیم بزرگی پیرامون پرونده افغانستان که از مدت‌ها پیش روی میز آن‌ها قرار دارد، اتخاذ کردند. براساس تصمیم این قضات، دادستانی این دادگاه صلاحیت یافت تا روند تحقیق را پیرامون جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت که توسط طالبان و داعش در افغانستان ارتکاب یافته است، آغاز کند. البته این اولین بار نیست که قضات دادگاه این صلاحیت را به بخش دادستانی می‌دهند، بلکه قبلاً نیز این دادگاه در مارچ ۲۰۲۰ برای اولین بار بعد از ۱۴ سال بررسی‌های ابتدایی پرونده افغانستان، صلاحیت آغاز تحقیق در مورد این پرونده را صادر کرده بودند.

اما حکومت پیشین در آن زمان از دادگاه خواست تا صلاحیت تکمیلی افغانستان را به رسمیت بشناسد و رسیده‌گی به این پرونده را به جمهوری اسلامی افغانستان بسپارد تا رسیده‌گی به این جرایم در داخل نظام قضایی افغانستان صورت گیرد.

طبق ماده ۱۸ اساس‌نامه روم، کشورها حق دارند از دادگاه تقاضا کنند تا صلاحیت رسیده‌گی به پرونده را مطابق قوانین داخلی برعهده بگیرند. پذیرش این تقاضا، مشروط به این است که آن کشور توانایی رسیده‌گی به این جرایم را مطابق معیارها و قوانین بین‌المللی داشته باشد و با اراده کامل مجرمان اصلی را محاکمه کند. به نظر می‌رسد این تقاضا در آن زمان در ادامه پالیسی به تاخیر انداختن آغاز روند تحقیق دادگاه جرایم بین‌المللی مطرح شد. این پالیسی از زمان حکومت آقای کرزی تعقیب می‌شد.

اما حالا بعد از مدت دو سال تاخیر در روند آغاز تحقیق جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت در افغانستان، دادگاه جرایم بین‌المللی دوباره از بخش دادستانی این دادگاه تقاضا کرده است تا روند تحقیقات را در قضیه افغانستان آغاز کند.

سوال‌های زیادی پیرامون پرونده افغانستان در این دادگاه وجود دارد که ایجاب می‌کند در بحث‌های مفصل‌تری به آن‌ها پرداخته شود. من در این نوشته به اتهام‌هایی که در این پرونده متوجه طالبان است و پیامدهای رسیده‌گی به این اتهامات، می‌پردازم.

مرحله رسیده‌گی‌های مقدماتی پرونده افغانستان در این دادگاه، در سال ۲۰۰۷ آغاز شد. بررسی‌های مقدماتی شامل جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت می‌شد که از اول می ۲۰۰۳ ارتکاب یافته بود؛ همان تاریخی که عضویت افغانستان در این دادگاه پذیرفته

شده است.

سوال‌های زیادی پیرامون پرونده افغانستان در این دادگاه وجود دارد که ایجاب می‌کند در بحث‌های مفصل‌تری به آن‌ها پرداخته شود. من در این نوشته به اتهام‌هایی که در این پرونده متوجه طالبان است و پیامدهای رسیده‌گی به این اتهامات، می‌پردازم.

مرحله رسیده‌گی‌های مقدماتی پرونده افغانستان در این دادگاه، در سال ۲۰۰۷ آغاز شد. بررسی‌های مقدماتی شامل جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت می‌شد که از اول می ۲۰۰۳ ارتکاب یافته بود؛ همان تاریخی که عضویت افغانستان در این دادگاه پذیرفته

شده است.

سوال‌های زیادی پیرامون پرونده افغانستان در این دادگاه وجود دارد که ایجاب می‌کند در بحث‌های مفصل‌تری به آن‌ها پرداخته شود. من در این نوشته به اتهام‌هایی که در این پرونده متوجه طالبان است و پیامدهای رسیده‌گی به این اتهامات، می‌پردازم.

سعدون محسن، معاون مدیر کل شرکت بازاریابی و فروش نفت عراق و نماینده دائم این کشور در سازمان اوپک، گفته است که تولید فعلی عراق ۱۱ درصد از کل تولید ۴۳ میلیون بشکه نفت سازمان اوپک در یک روز را تشکیل می دهد. به گزارش رویترز، سعدون محسن روز یکشنبه، ۲۷ نوامبر، گفته است که تصمیم اوپک پلاس برای کاهش تولید به میزان به دو میلیون بشکه در روز، نقش مهمی در ثبات بازارهای جهانی ایفا کرده است. خبرگزاری دولتی عراق به نقل از نماینده دائم این کشور در سازمان اوپک، گزارش داده است که نشست ماه آینده اوپک پلاس به شرایط و تعادل بازار تمرکز خواهد کرد. محسن افزوده است که عراق انتظار دارد قیمت نفت خام در سال آینده حداقل ۸۵ تا ۹۵ دلار باشد.



وزیر خارجه بلاروس دو روز پیش از دیدار با همتای روسی اش به صورت ناگهانی درگذشت

بربنیاد گزارش ها، ولادیمیر ماکئی، وزیر خارجه باسابقه بلاروس، دو روز پیش از دیدار برنامه ریزی شده با همتای روسی اش به صورت ناگهانی درگذشته است. خبرگزاری دولتی بلاروس روز یکشنبه، ۲۷ نوامبر، گزارش داده است که ماکئی ۶۴ ساله، این هفته در ایروان در کنفرانس سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO) که یک اتحاد نظامی میان اعضای پیشین اتحاد جماهیر شوروی محسوب می شود، شرکت داشت

و قرار بود روز دوشنبه با سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، دیدار کند. او از طرفداران بهبود روابط میان بلاروس و غرب و از منتقدان سیاست های روسیه بود و پیش از انتخابات بحث برانگیز ریاست جمهوری بلاروس و تظاهرات گسترده ضد دولتی در این کشور در سال ۲۰۲۰ میلادی، نیز برای بهبود روابط مینسک با غرب تلاش زیادی کرد. با وجود این، پس از انتخابات، موضعش را تغییر داد و

با آغاز تهاجم روسیه به اوکراین در ماه فبروری ۲۰۲۱ میلادی به یکی از حامیان روابط نزدیک مسکو و مینسک تبدیل شد و ادعا کرد که غرب از محرکان این جنگ بوده و این که مقام های اوکراین باید با شرایط صلح روسیه موافقت کنند. او همچنان چند روز پیش از شروع جنگ قول داد که هیچ حمله ای از خاک بلاروس به اوکراین صورت نگیرد؛ وعده ای که به زودی خلاف آن ثابت شد.



هریس: امریکا انتشار گازهای گلخانه ای را تا ۲۰۵۰ به صفر می رساند

مقام های امریکا اعلام کرده اند که این کشور قصد دارد انتشار گازهای گلخانه ای را به تدریج کاهش دهد. کامالا هریس، معاون رییس جمهور امریکا، یکشنبه شب، ۲۷ نوامبر، در توییتی نوشته که کشورش با استفاده از سرمایه گذاری های تاریخی و قانون تورم، انتشار گازهای گلخانه ای را کاهش خواهد داد. به گفته خانم هریس، امریکا در موقعیتی که در حال حاضر قرار دارد، تا سال ۲۰۳۰ انتشار گازهای گلخانه ای را تا نصف و تا سال ۲۰۵۰ به صفر خواهد رسانید. گفتنی است که گرم شدن زمین نتیجه انتشار گازهای گلخانه ای است. گرمایش زمین با گذشت هر روز زنده گی بشر را تهدید کرده و نشست های جهانی تغییرات اقلیمی، کشورهای صنعتی را به کاهش انتشار این نوع گازها وادار کرده است.

حمله شورشیان الشباب به محل زنده گی دهها مقام دولتی در پایتخت سومالیا

کرده و هنوز تعداد آنان نیز مشخص نشده است. به گفته این مقام پولیس، مقام های دولتی با فرار از پنجره های هتل در تلاش نجات شان هستند. آدم او هیرسی، وزیر محیط زیست سومالیا که در هتل مورد حمله شورشیان الشباب بوده، در توییتی نوشته است: «پس از انفجار تروریستی ای که در آن محل اقامت من هدف قرار گرفت، در امان هستیم». مسوولیت این حمله را گروه شورشی الشباب که وابسته به القاعده است، به عهده گرفته و هنوز در مورد تلفات ناشی از آن اطلاعاتی منتشر نشده است.

سومالیا، خبر می دهند. الجزیره گزارش داده که این حمله روز یکشنبه، ۲۷ نوامبر، بر یک هتل دولتی در نزدیکی کاخ ریاست جمهوری سومالیا صورت گرفته است. در گزارش آمده است که در هتل یادشده مقام های دولتی زنده گی می کنند. مقام های پولیس موگادیشو تأیید کرده اند که شورشیان مهاجم، واسکتهای انتحاری نیز به تن داشته اند. محمد عبدی، از افسران پولیس در محل، گفته که مهاجمان با مواد انفجاری و اسلحه به هتل ویلاز حمله



رسانه های بین المللی از حمله جنگ جویان انتحاری گروه شورشی الشباب به یک هتل دولتی در موگادیشو، پایتخت

مشکل در برق رسانی و هوای یخبندان در کی یف؛ تأمین برق ۲۰ درصد محدود شده است



در حالی که میلیون ها تن در کی یف و مناطق پیرامون آن با مشکل بی برقی دست و پنجه نرم می کنند، در این نواحی برف نیز باریده و دمای هوا نزدیک به یخبندان شده است.

رویترز روز یکشنبه، ۲۷ نوامبر، از قول مسوولان شبکه برق «اوکراینی گو» (Ukrenergo) گزارش داده است که هوای سرد به تدریج نیاز مصرف کننده گان به برق را نیز افزایش می دهد.

شبکه برق «اوکراینی گو» در تلگرام گفته است: «مصارف برق را به دلیل کمبود ظرفیت ۲۰ درصد محدود کرده ایم.»

دیوید آراخامیا، رییس حزب حاکم اوکراین، پیش بینی کرده است که روسیه در هفته آینده حملات زیرساختی جدیدی را راه اندازی خواهد کرد.

براساس گزارش ها، مسکو در هفته های اخیر زیرساخت های حیاتی اوکراین را از طریق حملات هوایی هدف قرار داده که در نتیجه شبکه های برق در این کشور به گونه گسترده آسیب دیده است.

خواهرزاده خامنه ای به جهانیان: رابطه تان را با تهران قطع کنید



فریده مرادخانی، خواهرزاده آیت الله علی خامنه ای، از دولت های خارجی خواسته است که به دلیل سرکوب خشونت آمیز اعتراضات و ناآرامی های اخیر تمام روابطشان را با تهران قطع کنند. براساس گزارش روز یکشنبه، ۲۷ نوامبر، خبرگزاری رویترز، پس از آن که خبرگزاری ایرانی هرانا روز چهارشنبه، ۲۳ نوامبر، اعلام کرد که فریده مرادخانی بازداشت شده، ویدیویی از انتقاد او نسبت به دولت ایران به گونه گسترده در فضای مجازی به اشتراک گذاشته شد.

درگیری در سومالیا؛ بیش از ۱۰۰ عضو الشباب کشته شدند

است که یک روز پیش نیز ۴۹ تندرو الشباب در جریان عملیات در بخش جنوبی منطقه شابل کشته شدند. عبدالرحمان یوسف العداله، معاون وزارت اطلاعات سومالیا، گفته است: «ارتش، استخبارات و ملیشه های محلی ما با حمایت شرکای بین المللی عملیاتی را در منطقه شابل انجام دادند که در اثر آن ۱۰۰ تندرو الشباب به شمول ۱۲ فرمانده آنان کشته شدند.»

گروه الشباب کشته شده اند. این وزارت روز شنبه، ۲۶ نوامبر، در خبرنامه ای افزوده

وزارت داخله سومالیا اعلام کرده که در اثر عملیات ارتش و ملیشه های متحدش در منطقه مرکزی شابل، ۱۰۰ عضو



به گفته این مقام سومالی، هدف از این عملیات جلوگیری از آماده گی نهایی نیروهای الشباب بود که برنامه حمله بر نیروهای حکومتی در منطقه را داشتند.

گروه الشباب از سال ۲۰۰۶ میلادی به این سو علیه حکومت سومالیا و نیروهای حافظ صلح اتحادیه افریقا درگیر جنگ است. این گروه در مناطق تحت کنترل خود قوانین سخت گیرانه اسلامی را تطبیق کرده است.